

فقدان گفتمان روزنامه‌نگاری صلح در وب‌سایت بی‌بی‌سی فارسی در بازه جنگ غزه^۱

امیرعلی علامه‌زاده^۲، سیدوحید عقیلی^۳، هادی خانیکی^۴، محمدرضا رسولی^۵

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

چکیده

صلح، نخستین قربانی جنگ‌هاست. برای ایجاد صلح، رسانه و روزنامه‌نگاری صلح، ضروری است. روزنامه‌نگاری صلح که نوعی روزنامه‌نگاری غیربی‌طرفانه است و همواره جانب صلح را می‌گیرد، در هر برهه‌ای و هر شکلی از درگیری‌ها، نادیده گرفته شده است. جامعه مطالعاتی این مقاله از رسانه وب‌سایت بی‌بی‌سی فارسی برگزیده شده است که پیش‌تر در بازه جنگ غزه، تحلیل محتوا نیز شده و میزان و مقدار پای‌بندی آن به ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح، ارزیابی شده بود. اما این داوری کامل نبود، چرا که از مطالعه سطحی و محتوایی همه مطلب‌های آن رسانه در بازه جنگ، برداشت صلح‌آمیز نمی‌شد. بنابراین لایه‌های زیرین متن به روش تحلیل گفتمان «ون دایک» شکافته شد. تحلیل گفتمان آن مطلب‌ها نشان می‌دهد که برای داوری در مورد یک رسانه براساس ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح، تحلیل محتوا کافی نیست و گفتمان رسانه، باید براساس ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح سیاست‌گذاری شود تا در همان راستا، محتوا تولید و منتشر شود. در واقع، بهره‌مندی از روزنامه‌نگاری صلح به عنوان سبکی جان‌شین و جانبدار از صلح در رسانه‌ها، فقط با تولید محتوای صلح به دست نمی‌آید، بلکه تحقق چنین خواسته‌ای، به «گفتمان رسانه» و «اصلاح ساختار تولید متن» نیز بستگی دارد. این مطالعه نشان داد که اگر چه رسانه مذکور تا حدودی به برخی از ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح پای‌بند بود، اما گفتمان روزنامه‌نگاری صلح نداشت و از صلح جانبداری نمی‌کرد. جانبداری نکردن یک رسانه از صلح، در زمان جنگ، حاکی از نادیده گرفتن، یا کم‌رنگ‌تر جلوه‌دادن اهمیت «صلح» است.

واژه‌های کلیدی

روزنامه‌نگاری، صلح، رسانه صلح، ارزش‌های خبری، گفتمان، تحلیل گفتمان، بی‌بی‌سی فارسی.

۱. این مقاله براساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۲. دانشجوی دکترای علوم ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات و مطالعات رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

journalist777@gmail.com

۳. دانشیار، دانشکده علوم ارتباطات و مطالعات رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
seyed_vahid_aqili@yahoo.com

hadi.khaniki@gmail.com

۴. استاد دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۵. دانشیار، دانشکده علوم ارتباطات و مطالعات رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
rasouli57@yahoo.com

مقدمه

پربیراه نیست اگر بگوییم جنگ‌های جهان به دلیل «صلح»، «برای صلح» یا «به امید دستیابی به صلح» برپا شده و ادامه یافته‌اند. جنگ‌افروزان تاریخ نیز همیشه هدف نهایی و مراد خود از لشکرکشی‌ها و ادامه آتش‌افروزی‌ها را تلاشی برای برقراری آرامش و صلح عنوان کرده‌اند. بررسی‌های تاریخی و تطبیقی، تا حدود بسیار زیادی نشان می‌دهد که این تلاش‌ها برای صلح نبوده است و در پایان، آنچه در آتش جنگ سوخته است، همین «صلح» بوده است و بس. جایی که صلح قربانی می‌شود، نگاه به «حقوق بشر» هم قربانی فراموشی می‌شود.

این‌که این صلح دست‌نیافتنی، چرا همیشه راه جنگ پیموده است و چرا آرمان ارزشمند صلح هم‌چنان دست‌نیافتنی می‌نمایند، می‌تواند درباره جنگ‌ها و موردهای مختلف نزاعی قابل بررسی باشد، آن هم در زمانه‌ای که گسترش رسانه‌های جمعی و گوناگونی مخاطبان آن‌ها، در کنار پیشرفت فناوری اطلاع‌رسانی به علاوه تکنیک‌ها و ابتکارهای مختلف خبررسانی، دریافت پیام توسط مخاطب را تحت تأثیر خود قرار داده است و در واقع این انسان دریافت‌کننده پیام، همان انسان پیام‌گیر آن سوی خط جنگ نیست. مشاهده‌های تجربی هم نشان می‌دهد رسانه‌ها توجه بیشتری به خبرهایی دارند که به مسایل مربوط به «درگیری» و «خشونت» است. در حالی که درگیری و خشونت، نقض «حقوق بشر» است که در گزارش‌گری زمان جنگ، به چشم نمی‌آید. این رسانه‌ها، در سیاست‌گذاری‌های خبری خود مسایلی چون جنگ، تروریسم، ویرانی، مرگ، نسل‌کشی، آواره‌های پناهنده، پاک‌سازی قومی، نژادی و مذهبی و مانند آن را جزو موضوع‌هایی می‌دانند که جذابیت زیادی برای مخاطبان دارد، بدان‌ها توجه می‌شود و سبب افزایش مخاطبان و توجه به رسانه می‌شود. این وسط شاید بتوان گفت نوعی سیاست‌گذاری خالی است که بر حفظ، بسط و نشر ارزش‌های صلح و حقوق بشر متمرکز باشد و گفتمان صلح و رعایت حقوق بشر را نمایندگی کند. ممکن است رسانه‌ها مطلب‌هایی درباره صلح تولید کنند یا در زمان جنگ، به موضوع صلح توجه داشته باشند، اما آیا این کافی است و نشان‌دهنده حضور و وجود روزنامه‌نگاری صلح است یا که فقط یک خبر و مطلب است و به لحاظ گفتمانی مخاطبان را با صلح آشنا نمی‌کند، آن‌ها را

صلح متوجه نمی‌کند و تولید محتوای کلی رسانه‌ها را براساس صلح برنامه‌ریزی نمی‌کند؟ در همین راستا کوشیدیم مطالعه کنیم که رسانه بی‌بی‌سی فارسی که تحلیل محتوای آن، شماری از ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح و حقوق بشر را تا حدودی رعایت شده بود، به لحاظ گفتمانی هم در چهارچوب روزنامه‌نگاری صلح و حقوق بشر و ارزش‌های آن عمل کرده است.

پیشینه پژوهش

کتابی به‌صورت مستقل به روزنامه‌نگاری صلح نپرداخته است. اما مجموعه مقالاتی به اهتمام سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است. نام این مجموعه مقاله دو جلدی «... و باید صلح» است. این دو جلد حاصل همایش دو روزه‌ای با عنوان «همایش بین‌المللی خبرگزاری‌ها ائتلاف برای صلح است» که ۲۳ و ۲۴ مهر ۸۱ در تهران برگزار شد. چکیده جلد اول این مجموعه مقاله که به اهتمام «محمد رضا تاجیک» و «کابک خیبری»، تنظیم و آن را همان سال ۸۱ خبرگزاری جمهوری اسلامی منتشر کرد.

«مجید تهرانیان» در مقاله‌ای با عنوان «روزنامه‌نگاری صلح؛ بحثی در زمینه اصول اخلاقی رسانه‌های جهانی» ضمن اشاره به واقعه ۱۱ سپتامبر، آن را ناشی از آسیب‌پذیر بودن دهکده جهانی می‌داند که بیانگر درک نادرست اهالی دهکده جهانی است. به اعتقاد تهرانیان، در دهکده جهانی از صمیمیت و ارتباط رو در رو خبری نیست. به نظر او دنیای رسانه‌ای شده امروز را نهادهای رسانه‌ای دولتی و تجاری می‌گردانند و می‌پرسد که با این نظام آیا می‌توان «روزنامه‌نگاری صلح» را ارتقا بخشید؟ به نظر او شرایط حتمی و اجتناب‌ناپذیر روزنامه‌نگاری صلح، داشتن اخلاق مسئولانه در حرفه روزنامه‌نگاری است. جوری که رسانه‌ها نه تنها از لحاظ حرفه‌ای بلکه از لحاظ نهادی، ملی و بین‌المللی نیز باید مورد بحث و بررسی قرار گیرند. وی معتقد است که رها بودن از فشار و سانسور دولتی- سازمانی، آزاد بودن برای انجام وظایف حرفه‌ای، مسئولیت در قبال وظایف حرفه‌ای از جمله دقت، صداقت، انصاف و احترام به شرافت و حقوق انسانی از عواملی است که سبب می‌شود اصول اخلاقی رسانه‌ها قابل بحث و پیاده شدن باشد. (تهرانیان، ۱۳۸۰)

درباره هراس‌ها که سد راه صلح است، ابراهیم فیاض و زینب نادى، در مقاله «نقش ارتباطات میان‌فرهنگی در کاهش چالش اسلام‌هراسی در دنیا با تأکید بر درک پدیدارشناختی»، که در شماره ۵۵ فصل‌نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات منتشر شده است، آورده‌اند «روابط میان فرهنگی به کنش متقابل انسان‌ها از فرهنگ‌های گوناگون مربوط می‌شود. این کنش متقابل، هم در سطح میان‌فردی و هم در سطح ملی، صورت می‌گیرد». می‌شود گفت اسلام‌هراسی، ترس و نفرت از اسلام و یا تلقی از اسلام و مسلمانان به عنوان یک کلیت افراطی از چالش‌های بزرگ پیش روی جهان است. مثلاً اسلام را چون مشکلی بزرگ برای جهانیان جلوه می‌دهند و همین امر باعث دفع مسلمانان در جامعه و اعمال تبعیض علیه آنان می‌شود. غرب با تلاش برای قلب مفهوم «اسلام سیاسی»، به ایجاد اسلام‌هراسی پرداخته و گسترش آن را دامن زده است تا جایی که همین اسلام‌هراسی راهبردی فعال شده است نزد بازیگران غربی، که با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف، به دنبال توسعه ابعاد و عمق بخشی به آن هستند.

«کازم معتمدنژاد» هم در مقاله‌ای با عنوان «گزارش‌گری خبری، تفاهم و صلح جهانی» به بررسی و ارزیابی شیوه‌های گزارش‌گری خبری خبرگزاری‌ها با توجه به اصول و قواعد حقوق بین‌المللی پرداخته است. در این مقاله اشاره شده است که «در گزارش‌گری‌های خبری کنونی، به خاطر شرایط ساختاری و اوضاع و احوال محیطی داخلی و خارجی، حوزه فعالیت و انتشار رسانه‌ها و ماهیت و کیفیت محتوای آن‌ها، بیش‌تر جلب توجه انبوه مخاطبان، برانگیختن احساس و عواطف و هیجان‌های آنان مورد پردازش قرار می‌گیرد و بدان اهمیت داده می‌شود. دقت کنیم می‌بینیم پخش خبرهای مربوط به برخوردها، خشونت‌ها و منازعه‌ها و جنگ‌ها و ارزش‌گذاری و برجسته‌سازی آن‌ها، اهمیت بیش‌تری دارد و فقط برخی از وسایل ارتباط جمعی، که شمار آن‌ها نیز اندک است، به خبرهای مربوط به گفت و شنودها، تفاهم‌طلبی‌ها و صلح‌جویی‌ها توجه می‌کنند. (معتمدنژاد، ۱۳۸۱)»

همچنین تا پیش از بودریار، رسانه‌ها یا منعکس‌کننده بی‌طرف اطلاعات و اخبار محسوب می‌شدند و یا تحریف‌کنندگان واقعیت. بودریار با مطرح کردن نظریه «فوق‌واقعیت»، از همه نظریه‌های پیشین درباره رسانه‌ها فاصله گرفت و

شیوه جدیدی را برای کلویدن ایماژهای منتشرشده توسط رسانه‌ها پیشنهاد کرد. در شیوه او، عملکرد رسانه‌ها نه از حیث وفاداری به واقعیت یا دورشدن از آن، بلکه از حیث برساختن فوق‌واقعیت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطابق با این دیدگاه پساساختارگرایانه، بازتولید اطلاعات در رسانه‌ها، ایجاد زنجیره‌های بی‌پایانی از مدلول‌هایی است که به هیچ دالی ارجاع نمی‌کنند. در چنین وضعیتی، رسانه‌ها با اشاعه نشانه‌های تهی و معناباحته، یافتن مرجع یا مصداق برای اخبار را ناممکن می‌کنند. (فصل‌نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۳۹۲: ۲۹).

«محمد مهدی فرقانی» در مقاله «مبانی گزارش‌گری صلح»، خبرگزاری‌ها را به بازنگری در تفکر روزنامه‌نگارانه و تکنیک‌های تهیه و تنظیم خبر و گزارش فرامی‌خواند. او اشاره می‌کند که «گفتمان جنگ و کشمکش، مدام در این فضای رسانه‌ای در حال بازتولید است. فرقانی به ضرورت نگرش اخلاقی به فعالیت‌های رسانه‌ای اشاره و تأکید می‌کند که تقویت اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری از جمله رعایت «دقت»، «بی‌طرفی»، «صحت» و علاوه بر هر سه آن، پاس‌داری از حقوق و منزلت انسان به همراه لزوم پرهیز از پیش‌داوری از الزام‌های کار است و معتقد است که بازنگری در فرهنگ و ارزش‌های سنتی روزنامه‌نگاری و اولویت دادن به ارزش صلح و دموکراسی، باید در دستور کار رسانه‌های جمعی بین‌المللی قرار گیرد. (فرقانی، ۱۳۸۱)

«مهدی محسنیان‌راد» در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی توجه به صلح در رسانه‌ها» تصریح می‌کند که خبرگزاری‌ها و رسانه‌های بومی و محلی در منطقه‌های جغرافیایی مختلف جهان، هنگامی به «صلح» به عنوان یک «موضوع خبری» توجه می‌کنند که قدرت‌ها در پایان جنگ، به قرارداد صلح روی آورند. «در واقع همان‌گونه که آنان تا آن لحظه ابزار پروپاگانداي ماشین جنگ بوده‌اند، حال براساس تصمیمات منابع قدرت، پروپاگانديست صلح می‌شوند». به نظر می‌رسد در تمامی جنگ‌های معاصر، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های فرامرزی به این پدیده به عنوان یکی از هفت ارزش خبری نگاه کرده و در انعکاس و برجسته‌سازی آن، تابع خصلت‌های ارزش‌های خبری بوده‌اند. «آنتونی گیدنز» علاوه بر صلح پس از جنگ، به صلح دیگری نیز اشاره می‌کند که می‌تواند مورد توجه رسانه‌ها قرار گیرد و آن را «دنیای بدون جنگ» می‌نامد و در واقع به «هر شرایطی اشاره می‌کند که در

آن جنگ نباشد». «به نظر می‌رسد که رسانه‌ها در پرداختن به این صلح نوع دوم، دارای اختیار بیش‌تری هستند. با این حال چون ارزش خبری ندارد، کم‌تر بدان توجه می‌کنند، مگر آن که نمایندگان جهان در لابه‌لای مصاحبه‌ها و اظهار نظرهای خود آنان را به موضوع علاقه‌مند کنند. (محسنیان‌راد، ۱۳۸۱)»

درباره مورد تحلیلی در رسانه‌ها نیز حسین پاینده، در مقاله «انعکاس جنگ در رسانه‌ها: رویکرد پسامدرن بودریار به تحلیل رسانه‌ها» که در شماره ۳۳ فصل‌نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات منتشر شده، آمده است «گونه‌های تلفیقی روزنامه‌نگاری نظیر تلفیقی از روزنامه‌نگاری حرفه‌ای با ژانرهای نوینی مانند روزنامه‌نگاری شهروندی، عمومی، شبکه‌ای و کنش‌گر، بیش‌تر با روزنامه‌نگاری گفت‌وگو مناسب خواهند داشت. در مورد ارزش‌های خبری روزنامه‌نگاری گفت‌وگو نیز می‌توان گفت به دلیل ویژگی‌های خاص این نوع روزنامه‌نگاری، ارزش‌های نوینی چون حقیقت‌گرایی، راه‌حل‌گرایی، فرایندمداری و مردم‌گرایی (توجه واقعی به مسایل مردم) باید بیش‌تر مد نظر قرار گیرند. اما در عین حال ارزش‌های کلاسیک نیز در عالم واقع وجود داشته و غیرقابل حذف هستند و باید در ذیل ارزش‌های نوین مورد توجه قرار گیرند.» (پاینده، ۱۳۹۴: ۱۵۳).

دیگر پژوهشی از این دست که مهم‌تر است، به پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد «علی شاکر» مربوط می‌شود که عنوانش «روزنامه‌نگاری صلح و ارزش‌های خبری آن در ایران؛ نحوه انعکاس اخبار حمله نیروهای ائتلاف به عراق در ۶ روزنامه سراسری کشور (کیهان، رسالت، اطلاعات، همشهری، اعتماد و یاس‌نو)» است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد میزان بهره از مؤلفه‌های مربوط به «روزنامه‌نگاری صلح» در آن دوره مورد بررسی و در رسانه‌های مورد مطالعه، «بسیار کم» است. البته به مؤلفه «مردم‌گرایی» نسبت به بقیه مؤلفه‌ها بیش‌تر توجه شده است. این پژوهش اشاره می‌کند که این امر، در جنگ عراق، از نوعی ارزش خبری «مجاورت معنوی» میان دو کشور «همسایه» ایران و عراق برخاسته است. با این حال این پژوهش، به علت استناد و برگردان به فارسی منبع‌های مهم روزنامه‌نگاری صلح، بسیار مهم است.

واپسین پژوهش در این مقال که مورد مطالعه و استفاده قرار گرفته است،

پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پژوهش‌گر - امیرعلی علامه‌زاده است. عنوان این پژوهش «تحلیل محتوای وب‌سایت‌های خبری فارسی «بی.بی.سی» و «العربیه» براساس شاخص‌های «روزنامه‌نگاری صلح» در بازه زمانی جنگ غزه» نام دارد. تحلیل محتوای این دو رسانه نشان می‌دهد که در زمانه‌ای که جنگ در مجاورت معنوی ایرانیان و فارسی‌زبانان در حال رخ دادن است، رسانه‌های مورد مطالعه نسبت به پدیده‌ای به نام «صلح» تا چه اندازه‌ای «حساس» یا «کوشا» هستند و در این راستا تا چه اندازه «روزنامه‌نگاری صلح» کاربردی است. در یافته‌های توصیفی حاصل از جدول‌های این پژوهش، فقط به طور کلی می‌توان گفت که رسانه بی‌بی‌سی فارسی بیش‌تر از رسانه العربیه فارسی به ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح پای‌بند بوده است ولی چپستی و چگونگی این پای‌بندی را پژوهش‌گر پیشنهاد کرده است تا به روش تحلیل گفتمان کاویده شود.

چهارچوب نظری

مجید تهرانیان معتقد است که نوعی تحلیل مبتنی بر علم و به دنبال آن نوعی نظام‌نامه، آیین‌نامه یا تهیه دستورالعملی را موجب شود که با آن روزنامه‌نگار فارسی‌زبان نوعی سبک جانشین و یا جایگزین را برای روزنامه‌نگاری و فرایند اطلاع‌رسانی خود برگزیند که به سبب آن امید می‌رود تا این پژوهش دارای اهمیت بیشتری شود. تهرانیان روزنامه‌نگاری صلح را نوعی «روزنامه‌نگاری اخلاق‌مدارانه» می‌داند که سعی می‌کند تا جایی که امکان دارد، از راه‌هایی چون «ادراکی کردن خبر»، «تقویت مخاطبان خاموش» و جست‌وجو، کشف و یافتن زمینه‌ها و بسترهای مشترک، که جامعه‌های انسانی را از هم تفکیک می‌کند، به جامعه‌های انسانی وحدت و انسجام ببخشد و مناقشه‌های میان آنان را از مجراهای خشونت‌آمیز خارج کند و به اشکالی سازنده تبدیل کند. (تهرانیان، ۱۳۷۹)

نظر هادی خانیکی این است که «اکنون مفهوم امنیت و صلح با گذار از الگوهای پیشین تفاوت دارد؛ یعنی صلح مقوله‌ای تجربه‌ناپذیر، پایدار، جامع و در حکم معرفتی مستقل تلقی می‌شود. مفهوم صلح از محدوده امنیت و بازدارندگی فراتر رفته و تعاملی خلاق را در بر می‌گیرد که از سطح رابطه میان دولت‌ها به سطح رابطه میان نهادهای مدنی ارتقا یافته است. در حقیقت صلح در دوران

کنونی گوهر تفکری است که حامیان اصلی آن انسان‌های کنشگر و شهروندان مسئول هستند. امروز می‌توان به روشنی ظهور جامعه مدنی را در سطح بین‌الملل ملاحظه کرد که در آن نقش افکار عمومی در سطح جهانی تعیین کننده شده است. (خانیک، ۱۳۹۲: ۲۲۴)

سه مکتب اساسی تأثیر رسانه‌ها تاکنون مطرح بوده است؛ مکتب‌های «تأثیر علی»، «تأثیر انتقالی» و «تأثیر ساختارگرایانه» رسانه‌ها. نظریه‌هایی هم به «تأثیر مطلق»، «تأثیر کم» و همچنین «تأثیرگزینش‌گری و گزینش‌شده» رسانه‌ها اشاره می‌کند. وقتی «یوهان گالتونگ»، پژوهشگر سرشناس نروژی، مدل روزنامه‌نگاری صلح را معرفی کرد که ۴ ارزش «راه‌حلی‌گرایی»، «فرایندمداری»، «حقیقت‌گرایی» و «مردم‌گرایی» را دربرمی‌گیرد. (Galtung, 2000)

منازعه و جنگ همواره سوژه یا موضوع جذابی برای خبر و نگارش آن است. روزنامه‌نگار حرفه‌ای بیش‌تر به دنبال موضوع‌های هیجان‌انگیز، تصویرها و انگاره‌های ساده‌ای است که با کلیشه‌ها هم‌خوان باشد. همه این‌ها در حالی است که دانش‌ورزان و متفکران، اهالی دانشگاه و کارکنان رسانه‌ای یا روزنامه‌نگاران و البته منتقدان رسانه‌ها - از گذشت، کم‌توجهی یا بی‌توجهی رسانه‌های جهانی، غربی و حتی محلی در جلوگیری از تعارض‌های بین‌المللی انتقادهای زیادی دارند و می‌گویند که این رسانه‌ها در انعکاس خبرهای مربوط به تعارض‌ها و تضادها، منافع خاص خود را دارند و برای رعایت آن تلاش می‌کنند تا مسایل و موارد دیگر. گوینگ معتقد است: کم‌تر دیده می‌شود اختلاف‌ها را منعکس کنند مگر آن که انفجاری را شاهد باشند و پس از آن رخدادها، پوشش‌های خبری معمولاً تلویزیونی- زمان مناسب را از دست داده است تا بتواند از از درگیری جلوگیری کند. (Gilboa, 2006:601) تیلور «جنگ» را «داستان جان‌فشانی‌ها و تراژدی‌های انسانی توصیف می‌کند که «در آن به اوج رسیدن میهن‌پرستی، ترس، عصبانیت و سرخوشی است که آخر داستان، برنده‌ای و بازنده‌ای دارد». این‌جای ماجرا است که یوهان گالتونگ می‌گوید «روزنامه‌نگاری جنگ، برخاسته از مرام روزنامه‌نگاری ورزشی است» و تشبیه می‌کند که «فضایی هم‌چون میدان گلابیاتورها دارد». (Gilboa, 2006:605) مهدی محسنیان‌راد نیز وجود ارزش خبری «درگیری» را علت توجه

بیشتر به کشمکش‌ها می‌داند. (محسنیان‌راد، ۱۳۸۳: ۱۴۱) و گالتونگ (۱۹۹۲) توجه بیش از حد به خشونت را در رسانه‌ها ناشی از نبود آموزش در میان دست‌اندرکاران رسانه‌ها ارزیابی می‌کند. (Galtung, 1992:75) با این همه، گالتونگ نظر دیگری نیز دارد و معتقد است این که بگوییم خشونت تنها امری است که در روزنامه‌نگاری امروز خریدار دارد، توهین به انسانیت است. این امر به‌هیچ وجه در مورد زن‌ها صدق نمی‌کند. براساس تحقیقات این نظریه‌پرداز صلح، زن‌ها می‌خواهند واقعیت را بشنوند و دوست دارند نگاهی هم به راه‌حل‌ها داشته باشند. گرایش به خشونت در میان نوجوانان و سالخوردگان نیز چندان مرسوم نیست. (Galtung, 2000: 162-3)

روش پژوهش

گفتمان یعنی نوعی ادبیات خاص که از یک دسته مفاهیم خویشاوند استفاده می‌کند تا نظامی خاص و معین از اندیشه را القا کند. لاکلا و موفه معتقدند «همه پدیده‌ها و اعمال، گفتمانی هستند یا به عبارتی دیگر هر چیز و هر فعالیتی برای معنادار شدن باید بخشی از گفتمانی خاص باشد. (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۵)»

هر گفتمان سیاسی مسلط، حاوی مجموعه قواعدی است که کردارها و زندگی سیاسی را تعریف و تعیین می‌کند. بنابراین تحول گفتمانی برای وقوع هرگونه تحول در کردار و زندگی سیاسی، امری ضروری است. به بیان دیگر، «ساختار اجتماعی سیاسی» حوزه برون افتاده، از پیش تعیین شده و با لذت نیست که مستقل از گفتمان مسلط باشد، بلکه ساختار، در پرتو گفتمان، ظهور و تعین خاصی می‌یابد. از دیدگاه تحلیل‌گران، گفتمان بیانگر و ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی چیزهایی است که گفته شده و نیز آنچه ناگفته می‌ماند. گفتمان‌ها همچنین روشن می‌سازند که چه کسی، در چه زمانی و با چه آمریتی، صحبت می‌کند. تئون ای. ون‌دایک معتقد است «تحلیل گفتمان امری میان رشته‌ای است که می‌تواند ارزیابی ساختاری محتوا را با ویژگی‌های متعدد گسترده اجتماعی، فرهنگی و اداری، مرتبط کند». ون‌دایک، باور دارد که «بخش اعظم اطلاعات یک متن به صراحت بیان نمی‌شود» و «ضمنی» است. به عبارتی «تحلیل ناگفته‌ها»، گاهی بیش از

مطالعه آن‌چه در عملاً در متن آمده، روشن‌گر موضوع است.» (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۹)

اگر تحلیل گفتمان به‌مثابه یک روش پژوهش در نظر گرفته شود و به بحث‌های مجرد درباره قدرت محدود نشود، آن‌گاه بررسی دیدگاه یا نگرش غالب بر متون در گردش یک جامعه فرضی، به مسئله‌ای اصلی تبدیل خواهد شد که چه دیدگاه و تفکری با کدام زیربنای فکری، یک متن مشخص یا جمعی از متون همگن را «نوشته» است تا از این طریق بر حوزه‌های معنایی در گردش آن جامعه فرضی سلطه یابد و ذهنیت اجتماعی را شکل دهد؟

پاسخ به این پرسش‌ها تنها از طریق یک تحلیل منظم گفتمانی امکان‌پذیر است که تحلیل‌گر برای پیش بردن آن و به منظور تفکیک اعضا و مشخصه‌های مختلف از سطوح متفاوت در متن ابتدا برش‌های افقی و عمودی ایجاد می‌کند تا ساختارهای خرد و کلان در سطح و عمق متن از یکدیگر مجرد و تحلیل‌گر قادر به «ورود» در متن شود. تئون ون‌دایک در کتاب مطالعاتی در تحلیل گفتمان که مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها آن را منتشر کرده است، پس از تعریف گفتمان، درباره تحلیل آن، شرح می‌دهد که «یک متن از دو لایه «سطحی» و «عمقی» تشکیل شده است که این دو لایه به «سطح سطح»، «عمق سطح»، «سطح عمق» و «عمق عمق» قابل تقسیم است. دو لایه فوقانی در سطح متن ابزارهایی محسوب می‌شوند که تحلیل‌گر با توسل به آن‌ها سعی در ایجاد نقبی به لایه‌های پابینی و عمق متن دارد تا با تعیین محتوا، یعنی معنای کلان فوقانی یک متن، به نقش و جایگاه آن متن در مناسبات اجتماعی دست یابد. بنابراین واضح است که نقطه آغاز یک تحلیل گفتمانی، مشخصه‌های فیزیکی و عینی در سطحی‌ترین لایه‌های متن است. ولی برای نفوذ به عمق متن در قدم بعدی، «مطالب» و «روابط» مابین آن‌ها در «سازمان کلی» متن مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا معنای کلان فوقانی آن عریان شود.»

یافته‌های پژوهش

تحلیل گفتمان، مطالعه‌ای است کیفی که در آن کیفیت کار، در کنار روش، به کیفیت پژوهش پژوهش‌گر نیز مربوط می‌شود. برای همین، ابتدای تحلیل

گفتمان این متن، آنچه می‌دانیم، این است که پیش‌فرض‌ها و مفروض‌های تحلیل گفتمان که از برآیند قواعد تحلیل متن است به ما می‌گوید که متن را باید به عنوان یک کل معنادار نگریست و این معنا، لزوماً در خود متن نیست. انسان‌های مختلف، نگاه‌های متفاوتی به «متن» یا «گفتار واحد» دارند، یعنی از «متن واحد»، «برداشت واحدی» ندارند. در این تفسیر، «متن خنثی» یا «متن بی‌طرف» وجود ندارد و از قضا متن‌ها «بار ایدئولوژیک» دارند. پس همیشه «حقیقت در خطر» است. بنابراین، در هر گفتمانی حقیقت «نهفته» است، اما تمامی حقیقت نزد «هیچ گفتمانی» نیست. معنا همان قدر که از «متن» ناشی می‌شود، از «بافت» یا «زمینه» اجتماعی و فرهنگی نیز تأثیر می‌گیرد. «معنی» و «پیام» یک متن، «بین» نوشته‌های هر متن قرار دارد. هر متنی هم در موقعیت و شرایط خاص تولید می‌شود، از این رو می‌شود گفت که رنگ خالق خود را همراه خود دارد. هر متنی هم به یک منبع قدرت مرتبط است، که آن قدرت یا اقتدار الزاماً سیاسی نیست. «گفتمان سطوح و ابعاد متعدد دارد و یعنی نه یک سطح گفتمانی وجود دارد و نه یک نوع گفتمان.» (بهرامپور، ۱۳۷۸: ۵۴).

در «گزارش نوع متن» می‌توان گفت که با عنایت به «نوع نگاه متن»، نوع تفسیر و توضیح رویدادها و رخداد‌های مربوط به پوشش این جنگ در آن رسانه را از منظر «انتقادی نسبت به اسرائیل»، «انتقادی نسبت به فلسطینیان»، «افشاگر»، «اعتراض‌آمیز»، «توجیه‌گر»، «انصاف‌مدار» و «احترام‌مدار» مورد مطالعه قرار دادیم. پس از آن در کاویدن «شیوه ارائه متن»، این‌که شیوه ارائه مطلب در یکی از فرم‌های رایج روزنامه‌نگاری آن‌لاین باشد، دقت کردیم که خبر، تفسیر و تحلیل خبر، گزارش، مصاحبه، نقد و تفسیر یا عکس و گزارش تصویری باشد. در مطالعه «نوع متن» مورد کنکاش قرار گرفت که برگرفته از یک سخنرانی یا اظهارنظر است یا خبر. سخنرانی چنین تعریف شد که یکی از نوع‌های خبرگیری است که به وسیله آن عقیده‌ها و نظرهای شخصیت‌ها درباره موضوع‌های مختلف و مسائل روز مطرح می‌شود. همچنین ذکر منبع ترجمه در متن‌های ترجمه‌ای مهم است و تعریف نظری آن، این است که ترجمه مورد بررسی از چه منبع نقل شده است. اما در تعریف عملی، قابل بررسی که از خبرگزاری‌های بین‌المللی، روزنامه‌های

خارجی، رادیو و تلویزیون‌های خارجی یا بدون منبع منتشر شده که ذکر منبع در ابتدای مطلب وجود دارد یا خیر. چرا که این خود نشان از نقل قول و روایت دارد، یا نشان می‌دهد که نظر رسانه یا گزارش‌گر آن رسانه است. اما در مورد ماهیت مطلب، مطابق تعریف نظری، مطلب‌های مورد بررسی، از نظر داشتن «نقش مسئله زمانی» مورد بررسی قرار می‌گیرند که تعریف عملی آن می‌شود این‌که این امر یا «رویدادمدار» است؛ مانند مطلب‌ها و موضوع‌هایی که مسئله زمان و «تازگی خبر» در آن نقش اساسی دارد. همچنین می‌تواند «فرایندمدار» باشد که مسئله زمان و تازگی خبر در آن اهمیت ندارد دارای سیر تکوینی است. همچنین هر مطلبی که از نظر داشتن عکس مربوط به فرونشاندن آتش جنگ موجود بود، مورد ارزیابی گرفت. این‌که منبع عکس و عکاس کیست و از کدام سازمان یا موسسه خبری منتشر شده است؛ مثل نامشخص، سازمان‌های خبری بین‌المللی، خبرگزاری‌های رسمی داخلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و حامی صلح، مردم و شاهدان محلی. محتوای عکس‌ها در متن مورد مطالعه در تمام زمینه‌های مرتبط با جنگ غزه نیز بررسی شد.

به‌خاطر تطبیق و کاویدن متن مورد مطالعه با ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح و حقوق بشر، متن مورد مطالعه از نظر این ارزش‌ها نیز بررسی شد که مطلب راه‌حل صلح‌آمیز ارائه کرده است یا نه و دیگر این‌که راه‌حل را چه کسانی ارائه کرده‌اند؛ راه‌حل‌ها را از سوی مردم محلی، مسئولان رسمی، شاهدان عینی، خود گزارش‌گر یا خبرنگار اعزامی، گروه‌های صلح‌طلب و مردمی و... مورد مطالعه قرار داده شد و البته مطلبی که راه‌حلی ارائه نداده باشد نیز یافت شده است. بنا به بررسی ارزش مردم‌گرایی، به عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح و رعایت حقوق بشر، خودِ چگونگی تأکید روی منطقه درگیری، کاویده شده است و محدود ندیدن درگیری به مکانی خاصی و گوش‌زد کردن تبعات و نتایج حال و آینده آن، محدود به منطقه درگیری یا گسترده‌تر از منطقه درگیری مورد مطالعه قرار گرفت. همچنین «چگونگی» تأکید روی «زمان درگیری» بررسی شد و درگیری را به زمانی خاصی محدود ندیده و نکرده و پیامدها و نتیجه‌های حال و آینده آن نیز بررسی شده است. درباره نحوه و چگونگی توصیف صحنه‌های خشن، این‌که

گزارش‌گر برای وصف صحنه‌های این‌چنینی مستقیم عمل می‌کند یا غیرمستقیم، نیز توجه شد که این خود می‌تواند یکی از موردهای اهمیت گزارش‌گری درباره حقوق بشر باشد.

یکی از موردهای مهم با عنایت به بررسی گفتمان بی‌بی‌سی فارسی و نسبت آن با «ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح»، نحوه ارائه جمع‌بندی یا نتیجه‌گیری متن‌های مورد مطالعه بوده است. یعنی نویسنده و گزارش‌گر در نتیجه‌گیری خود به چه نکته‌های «صلح‌برانگیز» یا برعکس، «جنگ‌طلبانه»، اشاره می‌کند؛ ارائه «راه‌حل» صلح‌طلبانه، تشویق و ترغیب گروه‌ها و طرف‌های درگیر برای «رفع درگیری»، تأکید بر «ادامه جنگ»، پرداختن به مسائلی که هر دو طرف «نمی‌خواستند» اتفاق بیفتد، یا «پرهیز» از «موضع‌گیری»، مطالعه شد. در مورد مؤلفه «راه‌حلی» به عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح، مورد تحلیل گفتمانی قرار گرفت که متن به تنظیم راه‌حل‌های پیشنهادی همراه با خلاقیت و ابتکار عمل در راستای «رفع درگیری» همتی داشت یا نه. برجسته کردن دیدگاه‌های مشترک طرف‌های درگیری، تشویق و ترغیب گروه‌های درگیر برای رفع درگیری، استفاده از تصویر برای نشان دادن اعمال ناشایست دو طرف، استفاده از منبع‌های خبری مختلف برای پوشش خبرها، بهره‌گیری از دیدگاه‌های طرفداران رفع درگیری، برجسته کردن عواقب غیرانسانی درگیری، تلاش برای ایجاد اعتماد میان طرف‌های درگیر از مهم‌ترین اشاره‌ها و انتخاب‌های متنی بوده است یا حتی این نگاه که متن، مؤلفه «راه‌حلی» شاید نداشته باشد. پس از آن پژوهش‌گر «فرایندمداری» را مد نظر قرار داد؛ این‌که خبرنگاران هنگام نوشتن و تنظیم خبرها، بتوانند راجع به زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و سابقه پیدایش رویدادها نیز گزارش تهیه کنند. این نوع خبرها از یک گزارش یا مسئله مجرد و منفک فراتر می‌روند تا درکی منظم، قاعده‌مند و جامع را منتقل کنند. هدف از این نوع خبرها، آگاه کردن مخاطبان است. برای آن شاخص‌هایی از این دست را مد نظر قرار دادیم و در تحلیل گفتمان متن کاویدیم: «توجه به اهداف و انگیزه‌ها» و «شناساندن» طرف‌های درگیر، «شناساندن بهره‌مندان از این درگیری»، اشاره و اهمیت دادن به «تاریخچه و پیشینه این درگیری»، «توجه به دلایل‌های درگیری «اخیر» میان این دو طرف»، «گزارش

از اثرهای نامشهود، نامحسوس و پنهان درگیری» و حتی توجه به این‌که «متن مورد مطالعه، مؤلفه «فرایندمداری» نداشته باشد». پس از آن «حقیقت‌گرایی» را مورد توجه قرار دادیم، این‌که رسانه مورد مطالعه به لحاظ گفتمانی و ساختار متن «ناراستی‌های همه طرف‌های درگیر» را بازگو کرده است و یا کوشیده است که بازگو کند که یا خیر. در هر دو صورت، آن را چگونه بیان کرده است. این‌که فقط به بیان ناراستی‌های یک طرف نپردازد؛ چرا که «حقیقت»، همه طرف‌های درگیر ماجرا را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، منظور از حقیقت‌گرایی آن است که رسانه در گردآوری و پردازش خبرها و گزارش‌ها، چه میزان و البته چگونه، به حقیقت توجه کرده است. برای یافتن این موردها در سطح و عمق متن، به وجود یا نبود و چگونگی این موردها پرداختیم: «انعکاس اظهارنظرهای طرف‌های درگیر»، «انعکاس ناراستی‌های طرف‌های درگیر»، «جلوگیری از قطبی‌شدن درگیری»، «جانب‌داری نکردن از یک طرف درگیری»، «توجه به شرافت و حقوق انسانی و مدنی طرف‌های درگیری» و حتی این‌که ممکن است «متن مورد مطالعه، مؤلفه حقیقت‌گرایی نداشته باشد». «مردم‌گرایی» از دیگر ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح است که کاویدن آن در گفتمان متن مورد مطالعه، با تأکید و تمرکز بر رنج‌ها و آسیب‌ها و پوشش صداها و نظرهای درباره کودکان، زنان، سالمندان، پیران و همه انسان‌ها، پوشش و نشر صدای کسانی که طرفدار «صلح» هستند و علاوه بر آن بیان صداها و بی‌صدا و خاموش، از نشانه‌های آن است. با عنایت به این تعریف، پژوهش‌گر کوشیده است تا «انعکاس نظرها و دیدگاه‌های مردم در مورد درگیری»، «برجسته کردن رنج و درد قربانیان و آسیب‌دیده‌ها، به‌ویژه کودکان، زنان و پیران»، «انعکاس صداهایی که دیگر منابع رسمی خبری بدانان توجهی نمی‌شود» و مانند پیشین، دقت در این‌که در سطح و عمق متن، «مؤلفه مردم‌گرایی» اصلاً مورد توجه قرار نگرفته باشد.

«توصیف یافته‌ها» را با عنایت به روش، نکته‌ها و شاخص‌هایی که برای کنکاش در متن و تحلیل گفتمان آن یاد کردیم، گزارش می‌کنیم. یکم؛ تحلیل گفتمان متن مورد مطالعه نشان می‌دهد که متن مورد نظر، در «سطح» خود اهمیت بسیاری به هر دو مورد «جنگ» و «صلح» پرداخته است. اختلاف اندک «شمار» مطلب‌های

مربوط به «صلح» (تعداد ۱۵۹) که کمی از مطلب‌های مرتبط با «جنگ» (تعداد ۱۴۵) بیشتر است، در «سطح متن» نشان می‌دهد که اهمیت صلح و پرداختن بدان در گزارش‌های بی‌بی‌سی مربوط به جنگ غزه گویا بیشتر بوده است. یک‌یک متن‌ها و شرح آنان نشان می‌دهد که صلح به نسبت کمی بیشتر و با توجه تقریباً برابر ارزش صلح را مد نظر قرار داده است. «واژه‌های مربوط به صلح»، در گزارش‌های وبسایت بی‌بی‌سی در شمار «واژه‌های مثبت» قرار داشته و «واژه‌های مربوط به جنگ» نیز در شمار «واژه‌های منفی» قرار داشته است. در عمق متن اما در افراد و نهادهای مطرح شده در متن‌ها در بخش جنگ، بیشتر و پررنگ‌تر بوده‌اند و مطالعه عمقی آن‌چه که اهمیت صلح را در متن بیشتر نشان می‌دهد، حکایت می‌کند که نهادهای مردمی، فاقد قدرت اجرایی و مردم بیشتر به صلح اهمیت داده‌اند. یادآوری می‌شود که منظور از مطلب‌های مربوط به جنگ در متن، گزینه‌های عملیات نظامی و جنگ و تحریم اقتصادی است. مطلب‌های مربوط به صلح شامل گزینه‌های نقض حقوق بشر، حضور هنرمندان و روشنفکران برای نفی جنگ، جنگ و زنان، کودکان و جنگ، غیرانسانی و ضدانسانی نشان دادن جنگ، تمرکز روی آثار پنهان جنگ، تمرکز روی دردها و رنج‌های یک طرف، برملاکردن دروغ‌های یک طرف و درگیری ملاقات سران و دیپلمات‌های کشورها با هم است.

دوم؛ تحلیل گفتمان متن این مورد مطالعاتی براساس ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح حکایت می‌کند که در ارزش «مردم‌گرایی» به عنوانی یکی از ارزش‌های اساسی روزنامه‌نگاری صلح، این مؤلفه در سطح متن، دست‌کم ۱۳۳ بار مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است. با این حال دست‌کم ۱۰ مطلب بسیار مهم این وبسایت به لحاظ ساختار متن، زجرهایی که مردم فلسطینی ساکن غزه، بر اثر این جنگ متحمل شده‌اند را با این‌که بیان کرده است، اما از نگاه آن‌ها و نهادهای مرتبط با آن‌ها که فاقد قدرت اجرایی هستند، از تلاش برای پایان جنگ و برقراری آتش‌بس به عنوان مقدمه صلح، یاد کرده است. همچنین مؤلفه «راه‌حل‌گرایی»، دیگر ارزش بنیادین روزنامه‌نگاری صلح نیز دست‌کم در همان سطح متن، ۱۳۴ بار حضور دارد که جدا از این حجم، این دو ارزش، «راه‌حل‌گرایی» و «مردم‌گرایی» در بیش از یک‌سوم متن حضوری پررنگ دارد. این حضور با واژه‌ها، کلمه‌ها، عبارت‌ها،

جمله‌ها و البته نشان‌هایی آمده است که در عمق متن، به «اشاره»، «ترویج» و «تأیید» یافتن «راه‌حل» و «اهمیت مردم» در به پایان رساندن جنگ و برقراری صلح اشاره دارد. پیش‌فرض‌های این متن مورد مطالعه نیز، در نهایت به «روایت» مؤلفه‌های مورد نظر می‌پردازد و هرچند نگاه کاملاً «فرایندمداری» ندارد، اما نه تنها رویدادمدار نیست، بلکه با تأکید بر این‌که در بافتار خود به هیچ وجه پژوهش‌گر مدلولی دال بر بی‌طرفی نمی‌یابد، اما روایت صرف آن نیز دست‌کم هرگز از جنگ جانب‌داری نمی‌کند. (این پیچیدگی‌ها در ادامه گزارش بیش‌تر ملموس و قابل درک است.) همچنین در سطح متن، مؤلفه‌های «حقیقت‌گرایی» و «فرایندمداری» به ترتیب دست‌کم ۸۷ و ۸۸ بار آمده‌اند. جدا از این حجم که پژوهش‌گر می‌تواند اظهار کند حدود یک‌چهارم متن را به خود اختصاص داده است، بررسی عمقی متن نشان می‌دهد که حقیقت‌گرایی متن در بافت و انتخاب واژه و ساختار نیز از همین مقدار بیش‌تر نبوده است و چگونگی پرداختن به آن نیز جدا ساختار نگارشی متن، در ساختار تهیه و تنظیم متن نیز بدان پرداخته شده است. چنان‌که شماری از ابزارهای تهیه و تنظیم خبر یا گزارش خبری در خدمت جست‌وجوی «حقیقتی بیش‌تر» قرار گرفته است. در این موردهای ذکر شده در متن، «عنصرهای خبری» جدا از حامل بودن «ارزش‌های خبری» در ساختار متن، توانایی جست‌وجو و کاویدن اندازه بیش‌تری از حقیقت را فراهم کرده است. «تشویق و ترغیب گروه‌های درگیر برای رفع درگیری»، «استفاده از تصویر برای نشان دادن اعمال ناشایست دو طرف»، «بهره‌گیری از دیدگاه‌های طرفداران رفع درگیری»، «برجسته کردن عواقب غیرانسانی درگیری» و «تلاش برای ایجاد اعتماد میان طرف‌های درگیر» همه مؤلفه‌هایی بوده است که متن مورد مطالعه به عنوان شاخص‌های روزنامه‌نگاری صلح در گفتمان خود لحاظ کرده است. با این حال اگر چه ممکن است در ظاهر هویدا باشد، اما عمق عمق متن نیز با به کارگیری «واژه‌های استمراری» فرایندمداری این جنگ را مدنظر قرار داده است. نکته دیگری در انتخاب متن آمده است، در ظاهر سطح عمق نیز دیده می‌شود، اما پس از پی‌گیری در تاویل و تفسیر متن در عمق عمق آن کاملاً کاربردی است، مسئله‌ای است به نام «تگ‌ها»، «برچسب‌ها» و انتخاب «خبرهای مرتبط» و «لینک خبری». این موردها اگر چه به لحاظ سخت‌افزاری در ساخت وب‌سایت بی‌بی‌سی فارسی لحاظ شده است، اما «تهیه»، «انتخاب»

و «جای‌گذاری» آن در متن، جدا از نشانه سیاست‌گذاری سایت، نشان از عمق فرایندمداری و هدایت مخاطبان است به روندی فرایندی که پیشینه و پی‌گیری جنگ را نیز دنبال کند.

سوم؛ مطالعه سطح سطح متن نشان می‌دهد که متن مورد مطالعه از پوشش خبرهای بدون منبع پرهیز کرده است. دست‌کم هیچ‌کدام از گزارش‌های یادشده در متن مورد مطالعه چنین نبوده است. در عمق سطح، گفتمان بی‌بی‌سی فارسی بر این منوال است که منبع خبرهای این رسانه چندانکه باشد چرا که در متن مورد مطالعه، گزارش‌ها دست‌کم بیش از یک منبع داشته‌اند. در سطح عمق اما این منبع‌های خبری چند نوع بوده‌اند که در موضوع روزنامه‌نگاری صلح این مؤلفه، جنبه حقیقت‌گرایی را پررنگ و به مؤلفه فرایندمداری نیز کمک بسیاری می‌کند. این مطالعه در عمق عمق خود نشان می‌دهد که «منبع خبرهای رسمی» در کل متن مورد مطالعه، ۱۲۶ مورد، «منبع خبرهای غیررسمی» ۶ مورد، «منبع خبرهای سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی» دست‌کم ۳ مورد و از همه مهم‌تر و بیش‌تر قابل‌توجه، خبرهایی که منبع آن «خبرنگار خود رسانه» بوده‌اند، ۱۴۷ مورد بوده است. در بافتار متن این مورد نشان می‌دهد که گفتمان رسمی وب‌سایت بی‌بی‌سی فارسی جدا از اهمیت خبرنگار در خود متن، حضور او نیز در متن پررنگ‌تر سایر منبع‌های حاضر در متن است و بدین‌سان آنچه برای مطالعه روزنامه‌نگاری صلح در این متن مستفاد می‌شود، در بحث چگونگی پای‌بندی به ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح، اهمیت می‌یابد. دیگر این‌که سیاست‌گذاری خود رسانه نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد که این «منبع» به عنوان «منشا تهیه»، «نگارش متن» به عنوان «تولید محتوا» و «تنظیم و انتشار متن» به عنوان «سیاست» و «گفتمان» رسانه، چگونه به ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح پای‌بند بوده‌اند. ۳۴۸ مورد «پوشش توصیفی» به همراه شرح و منبع و عکس در برابر ۱۱ مورد «پوشش تحلیلی» نیز در نگاه سطحی، شاید مؤید همین مدعا باشد.

چهارم، چنان‌که در مطالعات گفتمانی مطرح کردیم، «برش» در متن به عنوان یک ابزار کاربرد دارد و به تحلیل «درزمان» و «هم‌زمان» متن کمک می‌کند. اشارتی به این باب در متن اگر چه نتیجه آن در سه بخش پیشین همین فصل مورد اشاره

گرفت، اما کمی موشکافی بیش‌تر کمک می‌کند گزارش مبسوط‌تر و بیش‌تری از این‌همه مطالعه تحلیل گفتمانی این متن پرچم به دست آید. در مطالعات گفتمانی به طور غالب از تحلیل «هم‌زمان» استفاده می‌شود. البته در مقطع‌هایی هم از فرایند تحلیل گفتمانی، خاصه در مرحله‌های ابتدایی آن، تحلیل «درزمان» نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. چنان‌چه آمده بود، در تحلیل هم‌زمان مشخصه‌های متنی و فرامتنی پیوسته و در رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر مورد مطالعه قرار می‌گیرند اما در تحلیل درزمان، فقط یک مشخصه متنی را به شکلی مجرد و جدا از سایر مشخصه‌های متنی یا فرامتنی، مورد بررسی قرار می‌دهد.

پنجم، قرار بود در «سطح سطح» یک متن، یعنی فوقانی‌ترین لایه آن، ساختارهایی که دارای نمود بیرونی هستند و آنان را «ساختارهای بیرونی» می‌نامند، را بکاویم. نمود بیرونی متن در سطح سطح نشان می‌دهد که این متن به زبان فارسی می‌کوشد «جمله‌هایی معلوم» را به «صورت معین» و با «قیدهایی محدود» به صورت «نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم»، در چهارچوب گفتمانی مشخص و منظم «روایت» کند. این امر چنان منظم و تکرار شونده است که بررسی کل مطلب‌های منتشر شده وبسایت بی‌بی‌سی فارسی در بازه زمانی جنگ غزه، نشان می‌دهد که رسانه کوشیده است تا نقش «راوی بی‌طرف» را ایفا کند. دومین مورد از ساختارهای بیرونی متن که در سطح سطح به چشم می‌آید این است که از «همه ابزارهای سخت‌افزاری ممکن اطلاع‌رسانی در وبسایت» و «ابزارهای خبری» برای این «روایت» است. متن متشکل از گونه‌های مختلف خبری با ساختارهای تیتیر، لید، متن، سوتیتیر، عکس، شرح عکس و مانند آن است و در وبسایت تگ‌ها و برچسب‌های خبری دنبال‌کننده خبر، خبرهای مرتبط، خبرهای پیشین و البته آرشیو/بایگانی موجود است.

ششم، «اصطلاح‌ها» برای اشاره به یک بازیگر یا عمل واحد، واژگان گوناگونی را می‌توان به کار گرفت که می‌توانند ابعاد و معانی متفاوتی را به آن عمل یا بازیگر مورد بحث اطلاق کنند. در معرفی «اعمال» نیز بررسی اصطلاح‌های انتخاب‌شده از متن می‌تواند اساس تحلیل برای تفکیک کردن «نگرش» یا «ارزش‌ها» و «باورهای انتخاب‌کننده»، یعنی «مولف متن»، باشد. اگر بپذیریم که به عنوان مثال

عمل «دفاع از خود» سربازان اسرائیلی می‌تواند به مفهوم «سرکوب فلسطینیان» محسوب شود، انتخاب یکی از این دو اصطلاح، «می‌تواند» اساس «تحلیل نگرش متن نسبت به اسرائیل» باشد. با این حال، در موردهایی از این دست، در سطح سطح متن مورد مطالعه، این اصطلاح‌ها به شکل «روایت» ذکر شده است که این روایت‌ها- جز چند مورد- از منبع غیر از خبرنگار خود رسانه، «نقل قول» شده است و کوشیده شده است تا «علامت نقل قول مستقیم» نیز در آن ذکر شود. در آن چند موردی که خبرنگار رسانه از اصطلاح‌هایی از این دست استفاده کرده است، نقل قول غیرمستقیم بوده است که آمده است که «به گفته منبع»، چنین است که این در سطح سطح می‌خواهد نشان دهد که «رسانه»، نقش «خبرنگار بی‌طرف» و «گزارش‌گر امین» را ایفا می‌کند. همچنین در ساختار نحوی نیز بسیاری از اصطلاح‌ها را در زمره «اسم خاص» به کار می‌برد که می‌کوشد که اسم خاص بودن آن به چشم مخاطب بیاید. به عنوان مثال، در جمله «حماس و جهاد اسلامی از جمله گروه‌هایی هستند که حکومت ایران آن‌ها را بخشی از «جبهه مقاومت» در برابر روند صلح خاورمیانه می‌داند و کمک‌های گسترده‌ای را در اختیار آنها قرار می‌دهد»، از اصطلاح «جبهه مقاومت» استفاده می‌کند، در متنی که به لحاظ ساختار متن، در ابتدای متن آمده است و «لید» نامیده می‌شود. پس پیش‌تر به چشم می‌آید. دیگری این که اسم خاص است با ذکر خاص بودن، نقل قول غیرمستقیم برای آن در نظر گرفته و ذکر می‌شود. یا اصطلاح «عمل‌گرا و میانه‌رو» در جمله «از خالد مشعل به عنوان رهبر «جناح عمل‌گرا و معتدل» در حماس نام برده می‌شود»، خبرنگار بدون ذکر منبع اشاره‌ای به نگاه تحلیلی دیگران دارد، اما به لحاظ ساختاری نقل قولی غیرمستقیم را روایت می‌کند که ارزشی مثبت و پیش‌فرضی فرایندی برای مرجع این اصطلاح به همراه دارد. با این حال روایت از آن خبرنگار رسانه است و می‌کوشد خودش و نظر خودش را نشان دهد که در متن اعمال نشده است. پس با توضیح این که عمل نیروهای نظامی اسرائیل مقابل «تظاهرات‌کنندگان» را می‌توان «خشن» یا حتی «سرکوب‌گرانه» معرفی کرد، ولی آن را «مقتدارانه» نیز می‌توان نامید، رسانه با هر کدام از این اصطلاح‌ها، «توصیف خاص و متفاوت» خود را از «یک عمل واحد» دارد ارائه می‌کند و بنابراین با تحلیل واژه مورد استفاده برای معرفی عمل مورد نظر، می‌توان ارزش‌ها و باورهای متن

را مجرد و بالاخره نگارش متن نسبت به عمل مزبور، تعیین کرد. در مورد صرف رویدادهای داستانی یا مستند و خبری نیز همین مسئله صدق می‌کند. اما در همه این موردها، مطالعه سطح سطح نشان می‌دهد که متن مورد مطالعه به منبع و گوینده و صاحب این اصطلاح اشاره می‌کند و می‌کوشد آن را روایت کند.

هفتم، در مطالعه تحلیل گفتمانی متن موردنظر، در نگاه «عمق سطح»، «ساختارهای کلان‌متنی» را مورد کاوش قرار دادیم. چنان‌که ذکر شد، «عمق سطح» که لایه زیرین «سطح» یک متن است، جایگاه «ساختارهای دورنی متن» است. ساختارهای دورنی متن، ماهیتی کلان دارند و آن‌ها را می‌توان ساختارهای کلان‌متنی نیز نامید. این بخش از مطالعه نشان می‌دهد که ساختارهای کلان‌متنی رسانه مورد مطالعه «بیش‌تر مستقل‌تر» از «عمل جانب‌داری» عمل کرده است و این در حالی است که پژوهش‌گر می‌کوشد با «دقت بیش‌تری»، کم‌تر از واژه «بی‌طرف» استفاده کند. پژوهش‌گر پس از مطالعه عمق سطح، می‌تواند اعلام کند ساختار کلان‌متنی مورد مطالعه، ساختاری «روایی» است که این روایت‌ها، با «منبع» است، «جنگ» را نه تنها ترویج نمی‌کند، از «انتقام» سخن نمی‌گوید، که می‌کوشد «با احتیاط»، روایت کند که «قربانیان» این «جنگ»، «مردم» هستند. ساختار کلان متن مورد مطالعه جایی می‌توان به صراحت بیش‌تری از آن «روایت» نام برد که خبرنگار رسانه می‌کوشد ارزش‌های خبری را بیش‌تر رعایت کند اما در نگاه کلان متن، از مؤلفه‌های صلح دور نماند. اگر چه متن مورد مطالعه در «نوشتار» چنین است، در بافت تصویری خود نیز به «قربانیان»، شامل زنان، کودکان، پیران و تلاش برای «آتش‌بس»، با روایت کردن از منبع‌های مردمی و سازمان‌های فاقد قدرت اجرایی بیش‌تر اشاره کند.

هشتم، فوقانی‌ترین لایه «عمق متن» را «سطح عمق» نامیده‌اند که در این لایه ساختارهای متنی و گاهی هم ساختارهای فرامتنی «قابل مشاهده» هستند. مطابق تعریف، در این پژوهش، نگاه عمیق‌تری به ساختارهای متنی و فرامتنی متن مورد مطالعه از طرف پژوهش‌گر نشان می‌دهد که نگاه متن به آن‌چه گزارش می‌کند، «فرایندمدار» است و سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای تهیه و نگارش و تنظیم متن کوشیده است که به این امر، وفادار بماند. سطح عمق متن نشان

می‌دهد که ساختارهای فرامتنی متن مورد مطالعه، در راستای یک «رخداد ندیدن ماجرا»، «روایت کردن سیر تکوینی امر» و اشاره به «گزارش‌های وابسته موضوع مطرح شده»، کوشیده‌اند تا فرایندمداری جنگ غزه را روایت کنند. با این حال این امر بیش از هر چیز مرهون درهم‌تنیدگی نگارش و تنظیم بوده است. یعنی جدا از ادبیات متن، ابزارهای ابراز متن‌های پیوسته نیز کمک کرده است تا این فرایندمداری به چشم آید.

نهم، «عمق عمق» متن اما روایت شد که از ساختارهای اجتماعی- فرهنگی و کلانی تشکیل شده است که می‌کوشد یا می‌تواند شکل‌دهنده فرهنگی- اجتماعی مخاطب، گیرنده یا «استفاده‌کننده از متن» باشد و همچنین شکل‌دهنده رابطه او با مولف، یا فرستنده یا «تولیدکننده متن» است. این ساختارها ماهیت ثابتی ندارند و وابسته‌ای از زمان و مکان و فضای اجتماعی هستند. از آن‌جا که ساختارهای ادراکی- پردازشی مخاطبان متن، زاینده مفاهیم پیچیده اجتماعی است، تحلیل، ماهیتی غیرمتنی و اجتماعی-سیاسی و حتی ایدئولوژیک می‌یابد. این عمیق‌ترین لایه شامل ساختارهای کلانی است که در رابطه متقابل با مشخصه‌های متنی قرار دارند. لذا عمق عمق من مورد مطالعه در این تحلیل گفتمان، با عنایت به این‌که می‌کوشد «نشان دهد»، رسانه در حال «روایت» ماجراست و در ماجرا دخالتی ندارد، دست به پردازش مطلب‌هایی می‌زند که در برداشت از آن، می‌شود درک کرد که «سلب اعتماد از طرف فلسطینی» (شکل نگرفتن گفت‌وگو) روندی «تاریخی» (فرایندمداری) دارد و در نگاه‌های مقام‌های فلسطینی و حامیان آن‌ها، «رفتارهای بد طرف اسرائیلی» (یک طرف ماجرا) نهادینه شده است. بدین‌سان متن در عمق عمق خود نشان می‌دهد که واقعیت ماجرا می‌تواند «نیافتن راه‌حل سیاسی» (راه‌حل‌گرایی) باشد که در طول جنگ، حقیقت آن ثابت می‌ماند. این‌که پیش‌فرض‌هایی مطرح است که «رویدادهای آینده»، «جو کنونی»، «سردرگمی اکنون» و «وضعیت بحرانی فلسطینیان» ناشی از امری سیاسی است که در آن «فلسطینیان» نادیده گرفته شده‌اند (مردم‌گرایی). همچنین در عمق عمق متن، در بخش‌های تحلیلی، «تحلیل یک موضوع» تبدیل به «تحلیل یک معضل» (حقیقت‌گرایی) دیده می‌شود که البته با عنایت به نگاه

خود تحلیل‌گر، هرچند به صورت «روایت» می‌آید، اما سمت و سوی «حقیقت»، متفاوت «روایت» می‌شود. با این حال رسانه می‌تواند بگوید - که البته در عمق عمق متن می‌گوید - رسانه مورد مطالعه «بی‌طرف» است و «نگاه بی‌طرفانه» او دارد «همه طرف‌های درگیر در ماجرا» یا «همه نگاه‌های درگیر در موضوع» را فقط «روایت» می‌کند و در واقع این‌طور نمود دارد که «قضاوت» نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

رسانه باید بکوشد در گفتمان خود براساس «روزنامه‌نگاری صلح»، از اساس و نه تنها هنگام گزارش‌گری در زمانه جنگ، جانب «صلح» را بگیرد و این‌که بکوشد در زمانه جنگ تصویر «رسانه بی‌طرف» را به ذهن مخاطبان خود متبادر کند، نشان می‌دهد که ممکن است رسانه به نسبت مستقل‌تری باشد، اما کم‌تر در قامت رسانه صلح پدیدار شده است. هرچند رسانه‌ای که برای بی‌طرفی/نمایش بی‌طرفی/ابراز بی‌طرفی بکوشد، کم‌تر و کم‌تر از جنگ جانب‌داری کرده است اما «جانب‌داری از صلح» با «جانب‌داری نکردن از جنگ» فاصله معناداری دارد. با این حال، «جانب‌داری نکردن از یک طرف» و «انعکاس نظرهای طرف‌های درگیر» به واسطه تلاش برای ارائه تصویر بدون جانب‌داری این رسانه، کمک بیش‌تری کرد تا رسانه در عمق خود از ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح فاصله کم‌تری بگیرد. همچنین یافته‌های پژوهش‌گر حکایت می‌کند که میزان استفاده از مؤلفه‌ها، شاخص‌ها یا هر نوع رویکردی که به روزنامه‌نگاری صلح مربوط می‌شود، در سطح متن مورد بررسی ضعیف‌تر بوده است، اما نگاه تحلیلی پژوهش‌گر به متن نشان می‌دهد که نوعی «اشتراک هنجاری» و «ارزشی» به «مردم‌گرایی» و «راه‌حل‌گرایی» به عنوان شاخص‌های روزنامه‌نگاری صلح در مطلب‌های منتشر شده درباره جنگ غزه در وب‌سایت بی‌بی‌سی فارسی وجود دارد و گاهی حتی می‌توان از فحوای متن برخی مطلب‌ها، برداشت «حمایت از مظلوم» داشت اما این‌که این موردها در سطح متن رخ داده باشد و به صراحت مخاطب توان درک آن را داشته باشد، چنین نبوده است.

برای داوری درباره یک رسانه در موضوعی معین، تحلیل محتوای رسانه کافی نیست، بلکه باید تحلیل گفتمان هم مدنظر باشد. تحلیل گفتمان کمک می‌کند

تا گفتمان حاکم بر رسانه مورد مطالعه کشف شود. مقایسه نتیجه تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان رسانه بی‌بی‌سی فارسی در یک بازه مشخص و براساس ارزش‌های معین، نشان می‌دهد که نه تنها نتیجه تحلیل محتوا درباره صلح عمیق نیست، بلکه گاهی می‌تواند خلاف نتیجه عمقی باشد.

بهره‌مندی از روزنامه‌نگاری صلح به عنوان سبکی جانشین و جانب‌دار از صلح در رسانه، فقط با تولید محتوای صلح به دست نمی‌آید بلکه استیفای چنین خواستی به گفتمان رسانه و اصلاح ساختار تولید متن نیز بستگی دارد. این‌که فراواقعیت رسانه‌ای ارائه تصویر مطلوب و نزدیک به بی‌طرفی در موضوعی معین باشد، می‌توان آن را نیک دانست که در زمان جنگ، جانب جنگ را نگرفته است اما این‌که جانب صلح را بگیرد، گفتمان و ساختار تولید محتوا و محتوایی مربوط به صلح می‌خواهد. هم‌چنین ارزش «فرایندمداری» ارزش مهمی در متن مورد مطالعه بوده است. جدا از آموزش و سبک نگارش و موردهای قابل بررسی دیگر، چنان‌که می‌دانیم، رسانه مورد مطالعه یکی از قوی‌ترین آرشیوهای رسانه‌های جهان را دارا است و این کمک می‌کند که جدا از نگرش فرایندی، تهیه و تنظیم خبر و گزارش فرایندمدار امکان‌پذیرتر باشد. لذا اشاره به نقش آرشیو و نقد ساده‌انگارانه تنظیم خبر و رویدادمداری واقعه، کمک بزرگی به این سبک کار و در نتیجه روزنامه‌نگاری صلح شده است. باید گفت که حقیقت یک ماجرا رابطه‌ای درهم‌تنیده با تاریخ و سیر تکوینی ماجرا دارد. نگاه فرایندمدار به موضوع در گزارش‌گری رسانه‌ها باعث می‌شود تا نه تنها یکی از مهم‌ترین ارزش‌های روزنامه‌نگاری صلح را از نظر دور نداشته باشند، بلکه کمک می‌کند تا مخاطبان رسانه نیز با بررسی پیشینه خبر و خبرهای مرتبط، به بخش‌هایی نهفته و ازیادرفته از حقیقت ماجرا دست یابند. در واقع بایگانی یا آرشیو یک رسانه به همراه بهره‌مندی از آن کمک می‌کند که منوپولی به خاطر آوردن، بشکنند و این یادآوری از آن صاحبان قدرت یا صاحبان رسانه نباشد و دست‌کم ابزارها و امکانات رسیدن به حقیقت چنین دور نباشد.

همه این موردها به صراحت نشان می‌دهد که چقدر اظهارنظر درباره رعایت کردن یا نکردن حقوق بشر در تولید محتوای رسانه، سخت است و تا رسانه‌ای به لحاظ گفتمانی، سیر و جریان تولید متن و محتوا را براساس شاخص‌های

روزنامه‌نگاری صلح و رعایت حقوق بشر برنامه‌ریزی و به درستی اجرا نکند، نمی‌تواند مدعی باشد که روزنامه‌نگاری صلح و حقوق بشر را رعایت کرده است، هر چند که محتوای صلح‌آمیز و مربوط به حقوق بشر را منتشر کرده باشد. فراموش نکنیم چنان‌که روزنامه‌نگاران باید همیشه اصول اخلاقی دقت، صحت و انصاف را به کار برند و به حقوق بشر احترام بگذارند، گفتمان رسانه تولیدکننده و منتشرکننده پیام نیز باید نسبت به حقوق بشر، چنین باشد.

فهرست منابع

۱. بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۸). «درآمدی بر تحلیل گفتمان» در گفتمان و تحلیل گفتمانی، (به اهتمام دکتر محمدرضا تاجیک)، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
۲. پاینده، حسین (۱۳۹۲). «انعکاس جنگ در رسانه‌ها: رویکرد پسامدرن بودریار به تحلیل رسانه‌ها»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۳۳.
۳. تهرانیان، مجید (۱۳۷۹). «نظام رسانه‌ای مطلوب تنوع ساخت، تنوع محتوا»، فصلنامه رسانه، سال یازدهم، شماره ۴.
۴. خانیکی، هادی (۱۳۸۱). گفت‌وگوی تمدن‌ها و ارتباطات بین‌الملل، پایان‌نامه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
۵. خانیکی، هادی (۱۳۸۴). «ارتباطات توسعه؛ کاوشی در تعاریف مسئله‌بنیاد»، فصلنامه رسانه، سال شانزدهم، شماره ۴.
۶. خانیکی، هادی، (۱۳۹۲). «در جهان گفت‌وگو، بررسی تحولات گفتمانی در پایان قرن بیستم»، چاپ دوم، هرمس.
۷. دایک، تئون ای. ون (۱۳۸۷). مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی، (گروه مترجمان)، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات توسعه رسانه‌ها.
۸. خانیکی، هادی؛ و نیک‌خواه‌ابیان، علی‌رضا (۱۳۹۴). «مبانی و مؤلفه‌های

فقدان گفتمان روزنامه‌نگاری صلح در وب‌سایت بی‌بی‌سی فارسی در بازه جنگ غزه

روزنامه‌نگاری گفت‌وگو؛ بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران حوزه گفت‌وگو، استادان ارتباطات و روزنامه‌نگاران، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۳۸.

۹. دایک، تئون ای. ون (۱۳۸۷). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی*، (گروه مترجمان)، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، چاپ دوم.

۱۰. دیهیمی، خشایار (۱۳۹۱). ویژه‌نامه «جنگ و صلح»، *مجله مهرنامه*.

۱۱. شاکر، علی (۱۳۸۸). *روزنامه‌نگاری صلح و ارزش‌های خبری آن در ایران؛ نحوه انعکاس اخبار حمله نیروهای ائتلاف به عراق در ۶ روزنامه سراسری کشور (کیهان، رسالت، اطلاعات، همشهری، اعتماد و یاس‌نو)*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد.

۱۲. علامه‌زاده، امیرعلی (۱۳۹۲). *تحلیل محتوای وب‌سایت‌های خبری العربیه فارسی و بی‌بی‌سی فارسی، براساس شاخص‌های روزنامه‌نگاری صلح در بازه جنگ غزه*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۱۳. علامه‌زاده، امیرعلی (۱۳۹۷). *تحلیل گفتمان وب‌سایت بی‌بی‌سی فارسی، براساس شاخص‌های روزنامه‌نگاری صلح در بازه جنگ غزه*، رساله دکتری، دانشکده علوم ارتباطات و مطالعات رسانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۱۴. فیاض، ابراهیم؛ و نادى، زینب (۱۳۹۸). «نقش ارتباطات میان‌فرهنگی در کاهش چالش اسلام‌هراسی در دنیا با تأکید بر درک پدیدارشناختی»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۵۵.

۱۵. محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۱). «آسیب‌شناسی توجه به صلح در رسانه‌ها»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خبرگزاری‌ها، ائتلاف برای صلح*، تهران: انتشارات روزنامه ایران.

16. Galtung, Johan, (1992). *Communication and culture in war and peace*, Newbury Park, CA: Sage.
17. Galtung, Johan, (2000). *the Task of Peace Journalism*, Ethical Perspectives,
18. Gilboa, Eytan, (2006). *Media and International Conflict*, the SAGE *Handbook of Conflict Communication*, SAGE Publications, London.